

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام یکی از نکات مهمی است که کمتر بدان توجه شده است. اینکه چرا امام حسین علیه السلام به این موضوع اهتمام خاص داشت و در برخورد با دختران خود و برخی از خویشاوندان آن را نشان می دهد، پرسشی است که نوشتار پیش رو به دنبال پاسخ به آن است. در پاسخ این فرضیه مطرح می شود که سیره امام حسین علیه السلام را باید امتداد حرکتی دانست که جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله در جامعه ترسیم کردند. امام حسین علیه السلام در فضایی که برخی سنت های عصر جاهلی بازگشته بود، همان روش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در راستای اصلاح جامعه و احیای سنت نبوی در پیش گرفتند. ایشان با اظهار محبت به فرزندان خویش و دادن مسئولیت به آنها و نیز اهتمام به آینده آنان و انتخاب همسران مناسب و گاه نیز با هم فکری و گوش دادن به سخنان آنها در تکریم دختران کوشیدند.

مقدمه

یکی از مهم ترین مسائل روز جامعه در بیشتر کشورها از جمله کشورهای مسلمان، تبعیض جنسیتی و نادیده گرفتن برخی حقوق دختران و زنان است. در حالی که مراجعه به سیره ائمه علیهم السلام نشان می دهد نه تنها تبعیضی در این باره دیده نمی شود، بلکه گاهی اوقات احترام و تکریم دختران برجسته تر است. در سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تکریم انسان، فارغ از جنس و رنگ و نژاد است. در این میان تکریم فرزندان بدون تبعیض به ویژه تکریم دختران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت این مسئله وقتی بیشتر روشن می شود که وضعیت دختران و زنان در دوران پیش از اسلام و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه عربی تبیین گردد. وضعیتی که با تلاش رسول

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: h.motahari@isca.ac.ir

خدا سَلَّمَ بسیار بهبود یافت؛ اما بعد از رحلت آن حضرت بار دیگر همچون برخی سنت‌های پیش از اسلام بازگشت؛ به گونه‌ای که اثر آن همچنان در جامعه مسلمانان دیده می‌شد. در نخستین گام این رسول خدا سَلَّمَ بود که با تکریم زنان و دختران به دختر جایگاه ویژه‌ای بخشید. ایشان دختر را مایه خیر و برکت و همانند پسر نعمت خدا و منشأ خیر و برکت معرفی کردند. رفتار پیامبر و سخنان آن حضرت تحولی در جامعه حجاز ایجاد کرد و کرامتی به دختران داد که در جهان آن روزگار بی نظیر بود؛^۱ اما با رحلت پیامبر سَلَّمَ، بار دیگر برخی سنت‌های جاهلی در جامعه بازگشت و به تدریج انحراف‌ها به گونه‌ای رشد کرد که سرانجام در زمان امام حسین عَلَيْهِ یک قیام پرهزینه برای اصلاح امت لازم بود و سیدالشهدا عَلَيْهِ با نهضت خود این حرکت را انجام داد. نوشتار پیش رو نگاهی اجمالی به یک نمونه در رفتار امام حسین عَلَيْهِ برای احیای سنت جد بزرگوارش دارد و بر آن است تا نشان دهد تکریم دختران در سیره امام عَلَيْهِ ادامه رفتار پیامبر سَلَّمَ و احیای یکی از سنت‌های نبوی بوده است.

مفهوم‌شناسی

تکریم: تکریم در لغت به معنای گرامی داشتن و احترام است^۲ و در اصطلاح به روابط مبتنی بر حفظ ارزش‌های انسانی میان افراد گفته می‌شود که او را از دیگر آفریده‌ها متمایز می‌کند.^۳ به این کرامت در قرآن کریم به مثابه مهم‌ترین منبع تعالیم اسلامی توجه شده و ارزش و تکریم را بر همه فرزندان آدم اطلاق می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُطْرِ وَالْبُحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛^۴ همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبها سوار کردیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خویش، آنها را برتری دادیم». علامه طباطبائی مراد از آیه را جنس بشر می‌داند^۵ و علامه محمدتقی جعفری نیز آیه را ناظر به کرامت ذاتی انسان دانسته است.^۶ در سیره

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حمیدرضا مطهری، زنان (از نگاه نبوی)، ص ۳۰.

۲. محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۶۰۷.

۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵۶.

۴. اسراء: ۷۰.

۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

۶. محمدتقی جعفری، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، ص

نبوی و حسینی هم احترام به انسان فارغ از نوع و جنس و رنگ و نژاد مورد توجه بود. امام حسین علیه السلام احترام ویژه‌ای برای فرزندان به‌ویژه دختران خود قائل بود و به گونه‌های مختلف آن را ابراز می‌کردند؛ گاه با اظهار علاقه و محبت به دختر، گاه با تشبیه او به مادر و گاه نیز با آینده‌نگری و توجه به زندگی مشترک او و گزینش همسر مناسب برای دخترش آن را نشان می‌دادند. واگذاری مسؤلیت نیز می‌تواند بیان‌کننده جایگاه والای دختران در سیره امام حسین علیه السلام باشد.

۱. اظهار عشق و علاقه

یکی از مهم‌ترین نکات در زندگی اجتماعی به‌ویژه در خانواده و در برابر فرزندان، محبت‌کردن به آنان و اظهار این محبت است؛ همان چیزی که در کلمات اهل بیت علیهم السلام موج می‌زند. سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت زهرا علیها السلام با تعبیری مانند «فداها ابوها: پدرش به فدایش»^۱ و «ان فاطمة منی و هی نور عینی و ثمره فؤادی: فاطمه پاره تن و نور چشم میوه دل من است» و «أحب اهلی الی فاطمة: محبوب‌ترین خاندانم نزد من فاطمه است»، اوج این اظهار عشق و علاقه و محبت است. همین رفتار در سیره امام حسین علیه السلام در برابر دخترانش دیده می‌شود.

یکی از دختران امام حسین علیه السلام سکینه بود که در کربلا نیز حضور داشت و همراه اهل بیت علیهم السلام برای تحقق اهداف قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام نقش آفرینی کرد. او فرزند رباب دختر امرؤالقیس بود. امام حسین علیه السلام محبت خود را به او و مادرش چنین ابراز کرد:

لعمرك إننی لأحب داراً تکون بها السکینه و الرباب

به جان تو سوگند، من خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند.
 احبهما و أبذل جل مالی ولیس لعاتب عندی عتاب^۴
 آن دو را دوست می‌دارم و همه مالم را در این راه می‌بخشم و هیچ سرزنش‌کننده‌ای حق سرزنش ندارد.
 این کلام سرشار از عاطفه و مهر امام به همسر و دخترش چنان در جان آنان رسوخ کرد و

۱. علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۲، ص ۵۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۳. قاضی نورالله تستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۱۸۱.

۴. ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی، الاغانی، ج ۱۶، ص ۳۶۰؛ ابن جوزی هم با اندکی تفاوت این اشعار را نقل

کرده است (ر.ک: یوسف ابن قزواقلی ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۳۸).

ماندگار شد که اثر آن را بعد از رخداد عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام نیز می توان دید. در این کلام امام حسین علیه السلام هم تکریم دختر مشاهده می شود و هم علاقه و دوستی همسر را نشان می دهد و همین اظهار علاقه است که رباب تنها یک سال با سختی بعد از عاشورا زنده ماند و سرانجام از شدت اندوه درگذشت.^۱ این اظهار علاقه به دختر و نام بردن از او و مادرش افزون بر تکریم دختر، اظهار عشق و علاقه خود به او بود که بیان کننده اهمیت جایگاه مادر او نیز می تواند باشد.

اظهار علاقه به دختر حتی در آخرین لحظات عمر شریف امام حسین علیه السلام نیز دیده می شود؛ آنجا که حضرت سکینه علیها السلام بعد از وداع با گریه به سوی پدر رفت و امام علیه السلام او را به سینه چسباند و فرمود:

سَيَطُولُ بَعْدِي يَا سَكِينَةَ فَأَعْلَمِي مِنْكَ الْبُكَاءُ إِذَا الْحَمَامُ دَهَانِي

ای سکینه، بدان که بعد از من گریه تو طولانی خواهد شد.

لَا تُحْرِقِي قَلْبِي بِدَمْعِكَ حَسْرَةً مَا دَامَ مِنِّي الرُّوحُ فِي جُثْمَانِي

تا زمانی که روح در بدن دارم، با اشک حسرت بار خود قلبم را مسوزان.

وَ إِذَا قُتِلْتُ فَأَنْتِ أَوْلَى بِالَّذِي تَبْكِينَهُ يَا خَيْرَةَ النَّسْوَانِ^۲

ای بهترین زنان، بعد از کشته شدن من، تو برای گریه سزاوارتری.

این اشعار امام علیه السلام به ویژه بیت دوم که می فرماید تا زمانی که روح در بدنم هست، قلبم را با اشک خود مسوزان؛ نشان دهنده اوج محبت یک پدر به فرزندش است.

۲. واگذاری مسئولیت

واگذاری مسئولیت به فرزندان نشان دهنده جایگاه آنان است و این مهم در سیره امام حسین علیه السلام نه تنها در برابر پسران که درباره دختران نیز دیده می شود؛ همان نکته ای که در سیره نبوی هم به خوبی ارائه شده است. یکی دیگر از اثرگذارترین مواردی که حضرت زهرا علیها السلام حضور داشتند، جریان مباحله بود. انتخاب افراد حاضر در مباحله را پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داد؛ اما جایگاه و مسئولیت

۱. ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۸۸؛ یوسف ابن قزاقلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۶۵.

۲. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.

خطیری را به حاضران داد و حضرت صدیقه طاهره نیز یکی از حاضران در آن بود.^۱ همچنین حضور در زمان فتح مکه و بیعت زنان و حضور در حجة الوداع از مهم‌ترین رخدادهایی بود که حضرت زهرا علیها السلام در آنها حضور داشتند. این مهم با توجه به اقدامات و استنادات حضرت زهرا علیها السلام به رخداد غدیر برای اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌تواند نشان‌دهنده مسئولیتی باشد که از سوی پدر بزرگوارش بر عهده آن حضرت گذاشته شد و حضرت زهرا علیها السلام به خوبی و در جای خود از عهده آن برآمد و بدان استناد کرد.^۲

امام حسین علیه السلام نیز در شرایط حساس و حزن‌آلود و بحرانی عاشورا و درحالی که در آستانه شهادت بودند، مهم‌ترین مأموریت را به دخترش فاطمه دادند و وصیت‌نامه خود را به او سپردند تا به امام سجاده علیه السلام برساند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمودند: «امام سجاده علیه السلام در کربلا به اندازه‌ای بیمار بود که امام حسین علیه السلام دخترش فاطمه را صدا زد و وصیت‌نامه و کتابی را به او داد تا آن را به علی بن حسین علیه السلام برساند و این کتاب بعداً به ما رسید».^۳ این اقدام امام حسین علیه السلام نشان‌دهنده جایگاه والایی است که امام برای دخترش قائل است؛ به نوعی حامل کتابی می‌شود که اختصاص به امام دارد و به فرموده امام باقر علیه السلام آنچه بشر بدان نیاز دارد، در آن بوده است.^۴

۳. تشبیه به مادر

یکی از روش‌های تکریم فرزند یا هر فرد دیگر، تشبیه او به عزیزان و بزرگانی است که در قلب و جان انسان جای دارند. حضرت فاطمه علیها السلام زمانی به شهادت رسیدند که فرزندانشان خردسال بودند؛ با این وجود مهر و محبت و علاقه او چنان در وجود فرزندان تنیده شده بود که تا پایان عمر یاد مادر را زنده نگه داشتند و به نسل‌های بعد نیز منتقل کردند. بر این اساس می‌توان علت نام‌گذاری دختران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به نام فاطمه را تحلیل کرد؛ هر دو بزرگوار دخترانی به نام فاطمه داشتند که با پسرعموی خود ازدواج کردند. فاطمه دختر امام حسن علیه السلام با

۱. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، خصال، ج ۱، ص ۱۷۳؛ شمس‌الدین محمد جزری، مناقب الأسد الغالب و ممزق الکتاب و مظهر العجائب، ص ۴۱.

۳. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۱۶۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

حضرت امام زین العابدین ازدواج کرد و مادر امام محمد باقر علیه السلام شد و فاطمه دختر امام حسین علیه السلام نیز با پسر عموی خود حسن بن حسن (حسن مثنی) ازدواج کرد و عبدالله محض فرزند او بود.^۱

نکته مهم آن است که امام حسین علیه السلام هنگام خواستگاری برادرزاده اش حسن مثنی و پرسش از اینکه کدام یک از دخترانش را خواستگاری می کند، دخترش فاطمه را به او پیشنهاد کرد و در بیان علت این انتخاب او را به مادرش حضرت فاطمه علیها السلام تشبیه کرد و فرمود: «فاطمه چون به مادرم فاطمه شبیه تر است».^۲ در این کلام امام حسین علیه السلام هم تکریم و گرامی داشت یاد مادر دیده می شود و هم احترام ویژه به دختر؛ از یک سو نشان می دهد که پس از گذشت بیش از نیم قرن از شهادت حضرت زهرا علیها السلام هنوز یاد او در خاطر امام حسین علیه السلام زنده است و به مناسبت های مختلف می کوشد نام و یادش در جامعه و در میان خاندان زنده بماند؛ از سوی دیگر این رفتار امام بیان کننده تکریم دخترش نیز هست؛ به گونه ای که دختر خود را به مادری تشبیه می کند که برتر از همه زنان عالم است و چنان جایگاهی در قلب امام دارد.

۴. آینده نگری و همسرگزینی (انتخاب همسر مناسب)

یکی از نکات مهم در تکریم فرزند، توجه به آینده و زندگی مشترک او و انتخاب همسر مناسب برای اوست. امام حسین علیه السلام به این نکته توجه ویژه ای دارد؛ حتی گاه در انتخاب همسر برای دختران اقوام نیز مشورت و راهنمایی هایی می کند. درباره فرزندان خود نمونه بارز همان تزویج دخترش به فرزند امام حسن علیه السلام بود که فاطمه را برای برادرزاده اش حسن بن حسن علیه السلام برگزید و دلیل آن را نیز شباهت او به مادرش بیان کرد. امام حسین علیه السلام دختر دیگرش سکینه را نیز به ازدواج عبدالله پسر دیگر امام حسن علیه السلام در آورد؛ اما او در کربلا به شهادت رسید.^۳

توجه به دختران دیگر در میان خویشاوندان هم از نکات جالب در سیره امام حسین علیه السلام است. نمونه برجسته آن ام کلثوم دختر حضرت زینب علیها السلام و جریان ازدواجش با پسر عموی اوست. معاویه او را برای پسرش یزید خواستگاری کرد و مروان بن حکم را مأمور این کار کرده بود، عبدالله بن جعفر حضور نیافتن امام حسین علیه السلام در مدینه را بهانه کرد و پاسخ را به زمان

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۷.

۳. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۱۸.

بازگشت آن حضرت موکول کرد. پس از رسیدن امام به مدینه، بار دیگر مروان در میان جمعیت حاضر در مجلس با غرور، خواسته معاویه را مطرح و آن را افتخاری برای عبدالله بن جعفر و دختر او بیان کرد و از امام حسین علیه السلام خواست تا این دختر را به ازدواج یزید درآورد؛ اما امام با رد این درخواست، خواهرزاده خود را با مهریه ۴۸۰ درهم به ازدواج پسرعمویش قاسم بن محمد بن جعفر درآورد و مزرعه خود در اراضی عقیق را به او بخشید.^۱ امام علیه السلام قبل از مجلس خواستگاری با خواهرزاده خود گفتگو کرد و به او فرمود پسرعمویت قاسم برای تو شایسته تر است. ایشان در ادامه به مباحث مادی هم اشاره کرد و برای آنکه زیادی مهریه تعیین شده از سوی معاویه او را وسوسه نکند، فرمود «بَغِيغَات»^۲ را به تو بخشیدم. این رفتار امام، تکریم خواهرزاده خود در برابر زیاده‌خواهی تحقیرگونه معاویه و مروان بود.

این دختر عبدالله بن جعفر همراه امام حسین علیه السلام به کربلا رفت و ناظر شهادت برادر و همسر و بستگان خود بود و همراه اهل بیت علیهم السلام به اسارت رفت.^۳

نتیجه

تکریم دختران در سیره امام حسین علیه السلام در راستای احیای سیره نبوی بود. همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در فضایی که هیچ جایگاهی برای زن و دختر قائل نبودند، به مبارزه برخاست و جایگاه واقعی زن را به او بازگرداند، امام حسین علیه السلام نیز همین رفتار را در فضایی دیگر به انجام رساند و امتداد بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ تفاوتی میان پسر و دختر قائل نبودند و تبعیض میان فرزندان را بر نمی‌تافتند؛ ایشان ضمن اظهار محبت به دخت گرامی‌شان حضرت فاطمه علیها السلام و دادن مسئولیت به ایشان و دیگر زنان آن دوره، در تکریم دختران کوشیدند. امام حسین علیه السلام نیز به پیروی از جد بزرگوارش به جایگاه ویژه دختران اهتمام داشتند و در بزرگداشت و تکریم آنان فرقی بین پسران و دختران نمی‌گذاشتند و دختران را مورد لطف ویژه خود قرار می‌دادند. این رفتار را به طور ویژه در رفتار امام با دخترانش می‌توان دید؛ گاه با تشبیه آنان به مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه علیها السلام، گاه با

۱. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴؛ محمد بن یزید بن مبرد، الکامل فی اللغة و الأدب، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲. بغیغات از چاه‌هایی بود که امیرالمؤمنین علیه السلام خود حفر کرد و اراضی اطراف آن را آباد کرد و از جمله اوقاف و صدقات آن حضرت بود که در اختیار امام حسین علیه السلام قرار گرفت.

۳. ابوجعفر محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۴؛ حمیدرضا مطهری، نقش زنان در نهضت عاشورا (کتاب‌نگاهی نو به جریان عاشورا)، ص ۱۵۹.

اظهار عشق و علاقه خود به آنان، و گاه نیز با سپردن مسئولیت‌های مهم به ایشان و نیز مشورت‌دهی یا هم‌فکری در انتخاب همسران مناسب برای آنان در تکریم ایشان می‌کوشیدند و راهکار مناسب عرضه می‌کردند.

کتاب‌نامه

۱. ابن ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد بن عبید، کتاب العیال، تحقیق: نجم عبدالرحمن خلف، دمام: دارابن‌القیم، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، خصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن جوزی، یوسف ابن قزاولی، تذکرة الخواص، مقدمه: محمدصادق بحر العلوم، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، [بی‌تا].
۶. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سامی غیری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۸. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: نشر بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۹. اشتهااردی، محمد مهدی، حضرت معصومه فاطمه دوم، چ ۵، قم: نشر اخلاق، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، الأغانی، چ ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، چ ۲، مصر: شركة مکتبة و مطبعة البابى الحلبي، ۱۳۹۵ ق.
۱۳. تستری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۹ ق.

۱۴. جزری، شمس‌الدین محمد، مناقب الأسد الغالب و ممزق الکتاب و مظهر العجائب، تحقیق: طارق طنطاوی، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.
۱۵. جعفری، محمدتقی، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، [بی‌جا]: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله الحاکم محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: نشر علامه، [بی‌تا].
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۱. مبرد، ابوالعباس محمد بن یزید، الکامل فی اللغة والأدب، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۳، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. مطهری، حمیدرضا، زنان (از نگاه نبوی)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴ ش.
۲۵. _____، نقش زنان در نهضت عاشورا (کتاب نگاهی نوبه جریان عاشورا)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، امالی، تصحیح: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، [بی‌تا].